



کتاب «حکمت اشراق» آغاز رویکردی تازه به فلسفه سهروردی است

کتاب «حکمت اشراق» اثر حجت‌الاسلام سیدیدالله یزدان‌پناه از مهم‌ترین منابع فلسفی است که در شرح و تفسیر دیدگاه‌های فلسفی سهروردی نوشته شده و در حقیقت آغاز رویکردی تازه به فلسفه سهروردی است.

کتاب #171؛ حکمت اشراق؛ اثر حجت‌الاسلام سیدیدالله یزدان‌پناه از مهم‌ترین منابع فلسفی است که در شرح و تفسیر دیدگاه‌های فلسفی سهروردی نوشته شده و در حقیقت آغاز رویکردی تازه به فلسفه سهروردی است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به نقل از مؤسسه شهر کتاب، کتاب #171؛ حکمت اشراق؛ نوشته حجت‌الاسلام سیدیدالله یزدان‌پناه از مهم‌ترین منابع فلسفی است که در شرح و تفسیر دیدگاه‌های فلسفی سهروردی نوشته شده است. این کتاب در دو مجلد منتشر شده است و در حقیقت شرح حکمت اشراق سهروردی محسوب می‌شود. حکمت اشراق آغاز رویکردی تازه به فلسفه سهروردی است.

مجلد نخست آن به پیدایش حکمت اشراق، تحلیل کلی از سیر تاریخی این مکتب فلسفی و نیز دیدگاه‌های کلی دیگر سهروردی که در نظام اشراقی مطرح نمی‌شود مانند اصالت وجود و ماهیت، تشکیک در ماهیات، تشخیص، معقولات ثانیه و دیگر مسایل می‌پردازد و در مجلد دوم به مباحث نوری و علم اشراقی توجه شده است.

تفسیر حکمت اشراق سهروردی در این اثر به صورت جزئی بررسی شده و تمام مسایل آن تفسیر شده است. بر خلاف متون کمی مشابه با کتاب حاضر، تمامی آثار سهروردی بررسی شده است و این گستردگی موجب شده تمام مسایل اشراق در آن مطرح شود. در واقع در این قسمت، با مقایسه آرای سهروردی در نوشته‌های او، پاره‌ای از ابهام‌های اندیشه وی برطرف شده است. البته بررسی‌های جزئی، موجب امتناع نگاه کل‌نگر به مجموعه نظام حکمت اشراق سهروردی نشده است.

بخش نخست کتاب در مجلد اول مشتمل بر #171؛ کلیاتی در باب حکمت اشراق؛ است. کلیات این بخش به نحو مدون مطرح شده است که دامنه آن از مقام تاریخی سهروردی آغاز شده و با بررسی نام‌های گوناگون حکمت اشراق پایان می‌پذیرد. این بخش رویکرد تاریخی کتاب حاضر را نشان می‌دهد. بخش دوم مربوط به منطق سهروردی است.

تاکنون نوشته‌ای به انسجام و تعمق بخش دوم کتاب حکمت اشراق درباره سهروردی نوشته نشده است. بررسی‌های مقایسه‌ای این بخش اهمیت منطق سهروردی را بیش از گذشته نمایان کرده است. همچنین نقد آرای منطقی سهروردی حجم قابل توجهی از این بخش را به خود اختصاص داده و بر اهمیت آن افزوده است. از همه مهم‌تر سنجش منطق نزد سهروردی که در پایان آن مطرح شده، نتیجه همه کوشش‌های بخش مربوط به منطق را نشان می‌دهد.

در بخش سوم که مشتمل بر چند فصل است پاره‌ای از مسایل مهم حکمت اشراق مطرح شده است. معقولات ثانیه، اصالت وجود یا ماهیت، تشکیک و تشخیص و مسائلی دیگر، عنوان فصل‌های مذکور است که روش مؤلف در تمام بخش‌ها و فصول مربوط به آن‌ها یکسان است و دقت و ژرف‌اندیشی صفت مشترک همه آن‌ها محسوب می‌شود.

مجلد دوم، ادامه بخش سوم کتاب است که با فصل مربوط به نور آغاز شده است. در میان مطالب مطرح‌شده حکمت اشراق، دو فصل مربوط به منطق و نور، از فصل‌های مهمی است که طرح آن‌ها در میان منابع سهروردی‌پژوهی کم‌سابقه یا بی‌سابقه بوده است. همچنین شیوه تحلیل و تفسیر مطالب نیز با مجموع آن منابع متفاوت است.

کتاب حکمت اشراق آغاز نگرشی جدید در کل ساختار حکمت اشراق سهروردی است. نفوذ این نوشته به همه مسائل مطرح در اندیشه سهروردی، موجب شده به عنوان نخستین شرح جامع حکمت اشراق با سبک و اسلوب امروزی پذیرفته شود. ویژگی مقایسه‌ای متن برای بررسی آرای سهروردی با حکیمان پیش از وی بر رونق تتبع و نگاه فلسفی حکمت اشراق افزوده است.

این کتاب رویکرد فلسفی معاصران را به حکمت اشراق سهروردی تحکیم بخشیده و تلاش می‌کند از این منظر به اندیشه سهروردی نگاه کند، اگر چه نقد و بررسی حکمت اشراق، زمان موسعی طلب می‌کند اما بررسی مختصر نکات مهم آن نشان می‌دهد که چگونه مؤلف سعی کرده مسائل حکمت اشراق را به مخاطب تعلیم دهد.

این نوشته موجب بسط اندیشه فلسفی سهروردی شده است و بر همه منابع از این دست سبقه گرفته است. سبب این امتیاز، پرهیز از حواشی و رجوع به متن اندیشه و فلسفه سهروردی است. اتخاذ روش تألیف و تحقیق دقیق نیز بر رونق آن افزوده است، اما اهمیت کتاب از همان اصل نخست که انگیزه اصلی کتاب محسوب می‌شود، پیروی می‌کند و آن چیزی جز رویکرد تام فلسفی به اندیشه سهروردی نیست.

از این رو حکمت اشراق نوشته‌ای موفق به نظر می‌رسد؛ زیرا هم با اسلوب جدید منطبق است و هم در تفسیر اندیشه سهروردی طریق تفکر قدما را برگزیده و ایجاد وحدت میان این دو عملکرد، اگر چه به خودی خود مهم است، اما مهم‌تر از آن نتایجی است که از این وحدت حاصل شده است و آن کتابی است که توانسته بار دیگر عهد معاصر را به بررسی فلسفه سهروردی دعوت کند.

حکمت اشراق در رویکرد به سهروردی، فلسفه او را اصل قرار داده تا تصحیح نظر به سهروردی را از منطق و عرفان، به فلسفه معطوف کند. این کتاب به لحاظ تاریخی، عکس‌العملی در مقابل تفسیرهای افراطی صوفیانه و یا صرفاً منطقی از سهروردی است، اگر این سخن پذیرفته شود، تألیف حکمت اشراق، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده است. از این رو چنین اثری موجب شد بار دیگر اندیشه‌های فلسفی، نخستین شاخصه رجوع به سهروردی تلقی شود. به علاوه به حسب اهمیت، نه تنها موجب نسخ و نقض منابع پیشین نشد، بلکه افق تازه‌ای را پیش روی علاقمندان به اندیشه‌های سهروردی گشوده است. این خاصیت در همه منابعی که مؤسس دوره‌ای جدید از تفکرند به چشم می‌خورد.

منابع دوره‌ساز، ضمن طرح سخن تازه، وحدت منابع دیگر را در خود متحقق می‌کنند و کتاب حکمت اشراق از چنین صفتی برخوردار است و به منزله آخرین و کامل‌ترین منبع فلسفی در سهروردی‌پژوهی معاصر است و حامل رویکرد منابع پیش از خود نیز هست به گونه‌ای که جوهره آن متشکل از شروح شهرزوری و شیرازی و ملاصدرا است و منابع معاصر نیز به عنوان عوارض آن محسوب می‌شود، اما حکمت اشراق در این نسبت به منابع نخستین و شروح کهن اقتدا کرده است.